



مقدمه حقوق



دوره ۹ - شماره ۲۸ - تابستان ۱۴۰۵

آثار حقوقی ناشی از گشایش اعتبار اسنادی نسبت به خریدار و ذینفع
همایون مافی، محسن رئیس، احمدرضا امیری لاریجانی
امکان سنجی عدالت کیفری بین‌المللی برای رسیدگی به اکوساید در چهارچوب تغییرات اقلیمی
سبحان طیبی، ماجده معقولی
تحلیل ماهیت و سازوکار اجرای تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری با تأکید بر رویه دیوان در مواجهه با خلأ حقوقی
سمیه رحمانیان، پوریا ابراهیم زاده
منع سوءاستفاده از اضطرار در نظام حقوقی ایران
زینب قادری، عبدالمجید یوسفی، ستار فخرایی
مطالعه تطبیقی شرط انفساخ در حقوق ایران و نهاد انحلال قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا
حکیمه محمودسلطانی، مهدی شیخ محمودی
ارکان و مبانی جرم‌انگاری تبانی برای ارتکاب جرم در حقوق کیفری ایران و فرانسه
صابر سیاری زهان
چالش‌های اسناد الکترونیکی در حقوق ایران
محمدرضا عبدی، ساسان وزین پور
نقش دوگانه هوش مصنوعی در مقابله با اطلاعات نادرست و جعل عمیق: چالش‌ها و راهکارها
عاطفه لرججوری، سیداحمد پیروندیزی
ماهیت حقوقی شرط بنایی در فقه امامیه و حقوق ایران؛ تبیین مبانی اعتبار و قلمرو آن در قراردادهای مشارکت مدنی
سیدعلیرضا حسینی، محمدرضا رستمی، طاهره جعفری
بررسی فقهی و حقوقی جایگاه و نقش وصیت اشخاص بلاوارث در تعیین تکلیف دارایی بعد از فوت
سیده نازنین موسوی
مبانی، شرایط و آثار قراردادهای تأمین کیفری متهم در نظام کیفری ایران
کامران رحیمی سکه روانی
بررسی فقهی بطلان معاملات در قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول
مهدی رجائیان، جعفر قجه بیگلر
بره دیدگی اطفال و نوجوانان در فضای سایبری و متاورس: مروری بر شناخت علل تا راهکارهای پیشگیری و مقابله با آن
جواد چراغی
تحلیل نقش‌های حمایتی کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در زمینه تسهیل و صیانت از تجارت بین‌المللی
اسماعیل چوگانی
کارکرد سیاست جنایی دادستانی در پیشگیری و تعقیب جرائم ناقض حقوق عامه
وحید کیومرثی
مطالعه تطبیقی قاعده استقلال شرط دآوری در حقوق ایران، فرانسه، انگلستان و قانون نمونه آنسیترال؛ نظریه‌ها و رویه‌ها
سعید جوهر
وضعیت معاملات مجنون ادواری در حقوق ایران و انگلستان
امیرمحمد توکلی، ستایش حاج رجبعلی طهرانی، فاطمه اله وردی، امیررضا نقروی
تأثیر قوانین سختگیرانه بر رفتارهای مرتبط با خرید و فروش مواد مخدر
حمیدرضا قناعتیان
نقش صلح آمیز انرژی هسته‌ای در حقوق ایران و نظام بین‌الملل با رویکرد جدید
مجاهد امیری، فاطمه اصغرزاده شیرازی
تأثیر فناوری‌های نوین، هوشمندسازی و تحول دیجیتال در اجرای قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول
نگار فولادی، وجیهه محسنی
تحلیل جرم شناختی قاچاق کالا در استان هرمزگان
احمد پدیدار، محمد کمالی
قرارداد هوشمند در نظام حقوقی ایران
مهدی صالحی زاده
چالش‌های حقوقی دولت الکترونیک و مسئولیت مدنی دولت
سعید سردشتی بیرجندی
اصل بی طرفی تحصیل دلیل در فرآیند دادرسی کیفری ایران
محمدحسن ملک محمدی
تحلیل کیفی مبانی و قلمرو مسئولیت کیفری در ارتکاب جرائم ناشی از سندرم پای بی قرار: تعامل اختلال عصبی-حرکتی با
ارکان تقصیر و قابلیت انتساب
زهره عنالوی اصفهانی
نسبت قاعده و استثناء در حقوق مدنی ایران: با تأکید بر اصل لزوم قراردادهای و موارد خروج از آن
امیررضا علی تبار
نهادسازی اساسی: ثبت‌نام در ارتش و حبس دسته‌جمعی در ایالات متحده آمریکا
برایان سایکز، امی کیتی بابلی، یاسر شاکری



Analyzing the Nature and Mechanism of Enforcing Decisions of the International Court of Justice with an Emphasis on the Court's Practice in Facing Legal Lacunae

Somayeh Rahmanian

Assistant Professor and Faculty Member, Department of International Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

Pouria Ebrahimzadeh

Ph. D Student, Department of Public International Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

تحلیل ماهیت و سازوکار اجرای تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری با تأکید بر رویه دیوان در مواجهه با خلأ حقوقی

سمیه رحمانیان

استادیار و عضو هیئت علمی، گروه حقوق بین‌الملل، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

Srahmanian_lawyer@yahoo.com

<http://orcid.org/0000-0002-6364-7157>

پوریا ابراهیم زاده

دانشجوی دکتری، گروه حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

P_ebrahimzadeh@sbu.ac.ir

<http://orcid.org/0000-0001-6172-0202>

Abstract

The International Court of Justice, considered the principal judicial organ of the United Nations, has consistently, in the peaceful settlement of international legal disputes between states, adopted decisions in the form of contentious judgments and, in response to legal questions posed by competent bodies, decisions in the form of advisory opinions. In this way, it plays a very important role in the peaceful settlement of disputes and the development of international law. However, in international law, no panel has legislative authority, and ambiguities have always arisen regarding the Court's approach to legal lacunae and the mechanism for enforcing its decisions. The main question of the present research is: What is the nature of the different types of decisions of the International Court of Justice, what tools does this court use when facing legal lacunae, and what is the overall mechanism for enforcing its decisions? The authors have used a descriptive-analytical method with the aim of finding a reasonable and documented answer based on international legal regulations. The general results of the research emphasize that while analyzing the nature of different types of decisions of the International Court of Justice from the perspective of their binding force, argue that the Court's practice when facing legal lacunae in issuing contentious judgments and advisory opinions is completely different, and international law has a coherent mechanism for enforcing these decisions.

Keywords: International Court of Justice, Contentious Judgment, Advisory Opinion, Legal Lacuna, International Law.

چکیده

دیوان بین‌المللی دادگستری که به‌عنوان رکن قضایی سازمان ملل متحد محسوب می‌شود، همواره و در مقام حل‌وفصل مسألت‌آمیز اختلافات حقوقی بین‌المللی میان دولت‌ها تصمیماتی را در قالب رأی توافقی و در مقام پاسخ به پرسش‌های حقوقی طرح شده از طرف نهادهای صلاحیت‌دار تصمیماتی را در قالب نظر مشورتی اتخاذ نموده و از این رهگذر نقش بسیار حائزاهمیتی در حل‌وفصل مسألت‌آمیز اختلافات و توسعه حقوق بین‌الملل ایفاء می‌کند. بااین‌حال، در حقوق بین‌الملل هیچ نهادی دارای وظیفه قانون‌گذاری نبوده و همواره ابهاماتی درخصوص برخورد دیوان بین‌المللی دادگستری با خلأ حقوقی و سازوکار اجرای تصمیمات این محکمه مطرح شده است. پرسش اصلی پژوهش حاضر از این قرار است که اقسام مختلف تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری از چه ماهیتی برخوردار بوده و این محکمه در هنگام برخورد با خلأ حقوقی از چه ابزاری استفاده می‌نماید و در مجموع سازوکار اجرای تصمیمات آن از چه قرار است؟ نگارندگان با هدف یافتن پاسخی معقول و مستند به مقررات حقوقی بین‌المللی از روش توصیفی-تحلیلی استفاده نموده‌اند. نتایج کلی پژوهش ضمن تحلیل ماهیت اقسام مختلف تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری از بعد درجه الزام قائل بر آن است که رویه دیوان بین‌المللی دادگستری در هنگام برخورد با خلأ حقوقی در هنگام صدور رأی توافقی و نظر مشورتی کاملاً متفاوت بوده و حقوق بین‌الملل از سازوکار منسجمی جهت اجرای این تصمیمات برخوردار است.

واژگان کلیدی: دیوان بین‌المللی دادگستری، رأی توافقی، نظر مشورتی، خلأ حقوقی، حقوق بین‌الملل.

Received: 2026/06/23 - Review: 2026/08/21 - Accepted: 2026/09/08

۱۴۰۵/۰۵/۱۸ مقاله پذیرفته شده: ۱۴۰۵/۰۵/۲۰ - تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۵/۲۰ - تاریخ بازبینی: ۱۴۰۵/۰۵/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۲۰

ارجاع:

رحمانیان، سمیه؛ ابراهیم زاده، پوریا؛ (۱۴۰۵)، تحلیل ماهیت و سازوکار اجرای تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری با تأکید بر رویه دیوان در مواجهه با خلأ حقوقی، تمدن حقوقی، شماره ۲۸.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

در طول هشتاد سال اخیر، دیوان بین‌المللی دادگستری^۱ به‌عنوان یکی از ارکان اصلی و رکن قضایی سازمان ملل متحد^۲ همواره تلاش کرده است تا با توسل به منابع مندرج در بند اول ماده ۳۸ اساسنامه خود اختلافات حقوقی بین‌المللی میان دولت‌ها را با صدور رأی توافقی^۳ مرتفع و پرسش‌های حقوقی نهادهای صلاحیت‌دار را در قالب نظر مشورتی^۴ پاسخ دهد. با توجه به نقش آفرینی دیوان بین‌المللی دادگستری در حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات و توسعه حقوق بین‌الملل^۵، این محکمه توانسته است آن چنان مرجعیت و جایگاه والایی به دست آورد که با اطمینان می‌توان گفت هیچ دیوانی در طول تاریخ حتی رؤیای کسب چنین جایگاهی را برای آینده خود متصور نبوده است. با این حال، برخلاف نظام حقوق داخلی کشورها که همواره نهادهایی وظیفه قانون‌گذاری و اجرای احکام را بر عهده دارند، اما هیچ نهادی در حقوق بین‌الملل چنین وظیفه‌ای را عهده‌دار نیست و به همین دلیل همواره ابهاماتی درخصوص برخورد دیوان با خلأ حقوقی^۶ و سازوکار اجرای تصمیمات این محکمه مطرح شده است.

1- International Court of Justice (ICJ)

2- United Nations (UN)

3- Case Judgment

4- Advisory Opinion

5- International Law

6- Legal Lacunae

پرسش اصلی پژوهش حاضر از این قرار است که اقسام مختلف تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری از چه ماهیتی برخوردار بوده و این محکمه در هنگام برخورد با خلأ حقوقی از چه ابزار و روش‌هایی استفاده می‌نماید و در مجموع، سازوکار اجرای چنین تصمیماتی از چه قرار است؟ نگارندگان با هدف یافتن پاسخی معقول و مستند به مقررات حقوقی بین‌المللی و رویه دیوان بین‌المللی دادگستری از روش توصیفی-تحلیلی استفاده نموده‌اند. فرضیه نگارندگان بر این مبنا استوار است که اقسام مختلف تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری از ماهیت متفاوتی برخوردار است. با تأکید بر ماهیت، اهمیت و آثار صدور یک رأی توافقی به نظر می‌رسد که دیوان بین‌المللی دادگستری در موارد برخورد با خلأ حقوقی جهت صدور این نوع از تصمیمات به ابزار و روش‌هایی خارج از چهارچوب بند اول ماده ۳۸ اساسنامه متوسل شود، اما اصراری برای اتخاذ چنین رویه‌ای در هنگام صدور نظر مشورتی ندارد. همچنین، عدم وجود سازوکاری منسجم جهت اجرای تصمیمات دیوان بعید به نظر می‌رسد. نویسندگان با هدف یافتن پاسخی معقول و مستند به مقررات حقوقی بین‌المللی و رویه دیوان بین‌المللی دادگستری از روش توصیفی تحلیلی استفاده نموده‌اند.

نتایج کلی پژوهش ضمن تحلیل ماهیت اقسام مختلف تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری از بعد درجه الزام قائل بر آن است که رویه دیوان بین‌المللی دادگستری در برخورد با خلأ حقوقی در هنگام صدور رأی توافقی و نظر مشورتی کاملاً متفاوت بوده و حقوق بین‌الملل از سازوکار منسجمی جهت اجرای این تصمیمات برخوردار است.

۱- چهارچوب مفهومی

در یک نگاه کلی می‌توان گفت که آرای توافقی و نظرات مشورتی عمده‌ترین بخش از تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری را تشکیل می‌دهند. لازم به ذکر است که قرارها نیز گونه‌ای دیگر از تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری به حساب می‌آیند، اما پرداختن به آن‌ها از حوصله این پژوهش خارج است. در این بخش ابتدا به تحلیل ارکان رأی توافقی و نظر مشورتی پرداخته و سپس مهم‌ترین

تفاوت‌ها و تشابهات میان آن‌ها را مورد اشاره قرار خواهیم داد.

۱-۱- تحلیل ارکان رأی توافقی

مقصود از آرای توافقی تصمیماتی است که دیوان بین‌المللی دادگستری پیرامون اختلاف حقوقی بین‌المللی^۷ میان دو یا چند کشور و البته پس از بررسی و احراز صلاحیت خویش و رضایت طرفین مکلف به صدور آن است. تعریف اخیر متشکل از سه رکن بوده که با هدف آشنایی بیشتر با آرای توافقی به تحلیل این ارکان می‌پردازیم.

اولین رکن آن است که رأی توافقی عملاً درخصوص اختلاف صادر می‌شود؛ بنابراین، ضروری است که بدو با مفهوم اختلاف آشنا شویم. کنوانسیون اول و دوم صلح لاهه^۸ با محوریت موضوعی حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات هیچ تعریفی از اختلاف ارائه نکرده‌اند. بند اول ماده ۱۲ میثاق جامعه ملل^۹ نیز مقرر می‌داشت: «اعضای جامعه توافق می‌کنند تا چنان چه هر اختلافی میان ایشان که ممکن است منجر به شکاف آن‌ها شود از طریق داوری یا قضایی پیگیری کنند»؛ اما در این سند نیز تعریفی از اختلاف وجود نداشت تا این که برای اولین بار دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری^{۱۰} طی رأی قضیه امتیازات ماروماتیس^{۱۱} اختلاف را به شرح «عدم توافق درخصوص یک امر موضوعی یا حکمی و یا تعارض در نظرات حقوقی و منافع میان طرفین» تعریف کرد (قهرمانی منامن و ضیائی، ۱۴۰۰، ۳).

به‌رغم انتقاداتی که بر تعریف اخیر از بابت کلی بودنش وارد شد و برخی معتقد بودند که تعریف مذکور به قدری تفسیرپذیر است که خود مبنای بروز اختلافات گسترده‌تری خواهد شد و اساساً نمی‌تواند شاخصی برای تشخیص اختلاف ارائه کند، اما این دست از دیدگاه‌ها صرفاً در مقام نقد مطرح گردیده و ناقدان تلاشی جهت یافتن تعریفی بهتر متقبل نشده‌اند. اگرچه دیوان بین‌المللی

7- International Legal Dispute

8- Hague Conventions of 1899 and 1907

9- League of Nations (LN)

10- Permanent Court of International Justice (PCIJ)

11- PCIJ, 1924

دادگستری در نظر مشورتی مربوط به تفسیر معاهدات صلح میان بلغارستان، مجارستان و رومانی اختلاف را به شرح «وضعیتی که در آن طرفین پیرامون اجرا یا عدم اجرای برخی از تعهدات ناشی از عهدنامه‌های خاص به‌صورتی فاحش نظرات مختلفی دارند»^{۱۲} تعریف نموده و یا در رأی قضیه فلات قاره دریای ایجین میان یونان و ترکیه اختلاف را «موجب دوری و جدایی دولت‌ها»^{۱۳} دانسته، اما باین‌حال خود دیوان بین‌المللی دادگستری بارها به تعریفی که دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری از اختلاف ارائه نموده استناد کرده است (Marotti, 2017, 78).

دومین رکن، حقوقی بین‌المللی بودن اختلاف است. مقصود از اختلاف حقوقی اختلافی است که حداقل یکی از ویژگی‌های چهارگانه مندرج در ماده ۳۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری را دارا باشد که این شرایط عبارت‌اند از: الف- تفسیر یک معاهده. ب- هر مسئله‌ای که مربوط به حقوق بین‌الملل باشد. ج- حقیقت هر امری که در صورت اثباتش نوعاً نقض یک تعهد بین‌المللی محسوب شود. د- نوع و میزان غرامتی که باید برای نقض یک تعهد بین‌المللی پرداخت شود. اگرچه برخی از قضایای مطروحه در نزد دیوان بین‌المللی دادگستری ممکن است حائز جنبه‌های اقتصادی یا سیاسی برجسته‌ای باشد، اما دیوان صرفاً به جنبه‌های حقوقی اختلاف رسیدگی می‌کند و چنان‌چه اختلاف فاقد جنبه حقوقی باشد از رسیدگی امتناع خواهد نمود (Li, 2023, 51).

بین‌المللی بودن اختلاف نیز متکی بر ماهیت طرفین آن و مرجع رسیدگی‌کننده است. اساساً بین‌المللی بودن اختلافی که دیوان بین‌المللی دادگستری مشغول به حل و فصل آن باشد مفروض است زیرا طرفین اختلاف صرفاً دولت‌ها بوده و دیوان بین‌المللی دادگستری نیز از گسترده‌ترین صلاحیت جهت رسیدگی به اختلافات میان دولت‌ها برخوردار است. عطف به همین نکته که طرفین یک اختلاف حقوقی بین‌المللی مطروحه در نزد دیوان بین‌المللی دادگستری صرفاً دولت‌ها هستند؛ بند اول ماده ۴۰ اساسنامه و نیز بند اول ماده ۳۸ قواعد دادرسی دیوان بین‌المللی دادگستری بر مشخص بودن

12- ICJ, 1962

13- ICJ, 1978

طرفین اختلاف تأکید دارد (میرعباسی و قاسمی، ۱۴۰۰، ۶۲۷). به عنوان مثال یک دولت نمی تواند به طور کلی خود را نماینده کشورهای اروپایی بخواند و یا علیه کشورهای عربی زبان طرح دعوا کند. سومین رکن، احراز صلاحیت و نیز تکلیف دیوان بین المللی دادگستری مبنی بر صدور رأی توافقی است. دیوان بین المللی دادگستری قبل از ورود به ماهیت اختلاف حقوقی بین المللی مطروحه از جانب دولت ها باید به ایرادات و اعتراضاتی که معمولاً از جانب دولت خوانده به عدم صلاحیت دیوان بین المللی دادگستری مطرح می شود توجه کند. حتی ممکن است چنین ایرادات و اعتراضاتی از جانب دولت خوانده مطرح نشود، اما دیوان بین المللی دادگستری موظف است احراز کند که بر اساس چه مبنایی صلاحیت رسیدگی به ماهیت اختلاف را دارد؟

احراز چنین امری معمولاً به موجب «موافقتنامه های خاص میان طرفین اختلاف» مبنی بر ارجاع اختلافات شان به دیوان بین المللی دادگستری نظیر قضیه اختلافات مرزی لیبی علیه چاد^{۱۴} یا بر مبنای «شرط اختیاری صلاحیت اجباری» یا همان اعلامیه یکجانبه هر کشور مبنی بر پذیرش صلاحیت دیوان بین المللی دادگستری در رسیدگی به اختلافات حقوقی اش با سایر کشورهایی که صلاحیت دیوان بین المللی دادگستری را در رسیدگی به اختلافات حقوقی پذیرفته اند نظیر قضیه حق عبور پرغال علیه هندوستان^{۱۵} و یا «قید حل و فصل اختلاف در متن معاهدات و کنوانسیون ها از طریق دیوان بین المللی دادگستری» نظیر قضیه سکوها های نفتی ایران علیه ایالات متحده امریکا^{۱۶} بر مبنای عهدنامه دوستی^{۱۷} صورت می پذیرد (Ogbodo, 2012, 103). دیوان بین المللی دادگستری پس از اقناع شدن از وجود یک اختلاف حقوقی بین المللی میان دولت های طرف اختلاف با هویت مشخص و ایضاً احراز صلاحیت خویش مکلف به صدور رأی توافقی بوده و نمی تواند از اجرای چنین تکلیفی امتناع ورزد.

14- ICJ, 1994

15- ICJ, 1960

16- ICJ, 2003

17- Treaty of Amity, Economic Relations and Consular Rights (15 August 1955)

۲-۱- تحلیل ارکان نظر مشورتی

نظرات مشورتی در واقع پاسخ‌های حقوقی دیوان بین‌المللی دادگستری به پرسش‌هایی است که آن پرسش‌ها از جانب ارکان، نهادها، سازمان‌ها یا مؤسسات تخصصی ذیصلاح مطرح شده باشد. تعریف اخیر متشکل از سخ رکن بوده که با هدف آشنایی بیشتر با نظرات مشورتی به تحلیل این ارکان می‌پردازیم.

اولین رکن آن است که نظر مشورتی در قالب پرسشی حقوقی تقاضا می‌شود که پرسش مذکور ممکن است به مسائل غیرواقعی یا واقعی مربوط شود، اما بدیهی است که پاسخ دیوان بین‌المللی دادگستری می‌بایست حقوقی باشد. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در نظر مشورتی مربوط به ساخت دیوار حائل اسرائیل^{۱۸} اعلام کرد که می‌تواند پیرامون هر پرسش حقوقی انتزاعی (غیرواقعی) یا غیرانتزاعی (واقعی) نظر مشورتی صادر کند (نوروزی و برلیان، ۱۴۰۳، ۲۰۸۹).

دومین رکن آن است که نظر مشورتی از جانب ارکان، نهادها، سازمان‌ها یا مؤسسات تخصصی ذیصلاح تقاضا می‌شود. بند اول ماده ۹۶ منشور ملل متحد صراحتاً تأکید می‌کند که مجمع عمومی^{۱۹} و شورای امنیت^{۲۰} می‌توانند درخصوص هر موضوع حقوقی از دیوان بین‌المللی دادگستری نظر مشورتی تقاضا نمایند. همچنین، در بند دوم همین ماده این حق برای سایر نهادها یا سازمان‌ها و مؤسسات تخصصی در نظر گرفته شده است که با تجویز مجمع عمومی و صرفاً درخصوص جنبه‌های حقوقی حوزه فعالیت تخصصی خود، از دیوان بین‌المللی دادگستری نظر مشورتی تقاضا کنند.

لازم به ذکر است بند اول ماده ۶۵ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری که مقرر می‌دارد: «دیوان بین‌المللی دادگستری می‌تواند در هر مسئله قضایی و به تقاضای هر سازمان یا مؤسسه‌ای که منشور ملل متحد اجازه چنین تقاضایی را به او می‌دهد و یا وفق مقررات منشور می‌تواند این اقدام را انجام دهد نظر مشورتی صادر کند»؛ نیز عملاً ترتیبی جز آن چه که در بند دوم ماده ۹۶ منشور قید گردیده را

18- ICJ, 2004

19- United Nations General Assembly

20- United Nations Security Council

فراهم نمی‌آورد؛ بنابراین و برای مثال چنان چه سازمان بین‌المللی هوانوردی کشوری^{۲۱} به‌عنوان یکی از سازمان‌های تخصصی ملل متحد متقاضی صدور نظر مشورتی باشد می‌بایست بدو جهت تقاضای صدور نظر مشورتی اجازه مجمع عمومی را دریافت و متعاقباً، صرفاً درخصوص جنبه‌های حقوقی حوزه فعالیت تخصصی خود تقاضای صور نظر مشورتی کند.

اهمیت توجه به فرایند مذکور با اشاره به یک مصداق عینی مشخص می‌شود. در سال ۱۹۹۳ میلادی مجمع سازمان جهانی بهداشت^{۲۲} طی صدور یک قطعنامه و دریافت مجوز از مجمع عمومی از دیوان بین‌المللی دادگستری خواست تا با توجه به آثار مخرب توسل به تسلیحات هسته‌ای^{۲۳} در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی توسط دولت‌ها به این پرسش پاسخ دهد که آیا کاربست این نوع از تسلیحات منجر به نقض حقوق بین‌الملل و تعهدات دولت‌ها وفق اساسنامه سازمان جهانی بهداشت می‌گردد؟ اگرچه پرسش مطرح شده از جانب سازمان جهانی بهداشت نوعاً یک پرسش حقوقی و برای تقاضای نظر مشورتی نیز مجوز مجمع عمومی دریافت شده بود، اما یازده قاضی دیوان بین‌المللی دادگستری در برابر سه قاضی معتقد بودند که طرح چنین پرسشی از جانب سازمان جهانی بهداشت ارتباطی با حوزه فعالیت تخصصی سازمان مزبور وفق ماده ۲ اساسنامه‌اش ندارد و بدین نحو دیوان بین‌المللی دادگستری از صدور نظر مشورتی امتناع کرد.

سومین رکن، اختیار دیوان بین‌المللی دادگستری در صدور نظر مشورتی است. به بیان بهتر حتی بر فرض این که تمام ترتیب فوق جهت تقاضای صدور نظر مشورتی رعایت شود، دیوان بین‌المللی دادگستری الزامی جهت صدور نظر مشورتی نخواهد داشت و تصمیم درخصوص صدور یا امتناع از صدور نظر مشورتی به خود دیوان بین‌المللی دادگستری واگذار گردیده است. البته باید توجه داشت که دیوان بین‌المللی دادگستری همواره به صدور نظر مشورتی درخصوص پرسش‌های حقوقی مطروحه از جانب مراجع ذیصلاح تمایل نشان داده و بدین شکل نقش خود را در امور مربوط به

21- International Civil Aviation Organization (ICAO)

22- World Health Organization (WHO)

23- Nuclear Weapons

سازمان ملل متحد یادآوری کند (Aust, 2012, 131).

درخصوص امتناع از صدور نظر مشورتی پیرامون پرسش حقوقی سازمان جهانی بهداشت نیز ضمن اشاره مجدد به این که سازمان مزبور پرسش خود را خارج از حوزه فعالیت تخصصی‌اش مطرح نموده بود باید گفت که در سال ۱۹۹۴ میلادی مجمع عمومی سازمان ملل همان پرسش را به صورت کلی تر و بدین شکل مطرح نمود: «آیا دولت‌ها در شرایط حاد بقاء می‌توانند به تهدید به استفاده یا استفاده از سلاح هسته‌ای متوسل شوند؟». این مرتبه چهارده قاضی دیوان بین‌المللی دادگستری در برابر یک قاضی با تأکید بر صلاحیت مجمع عمومی جهت تقاضای صدور نظر مشورتی، پیگیری و علاقه مجمع عمومی برای یافتن پاسخی برای این پرسش و جنبه‌های حقوقی پرسش مطروحه که قطعنامه‌های متعدد مصوب مجمع به‌خوبی گویای آن بود با صدور نظر مشورتی موافقت نمودند (Lima, 2025, 4).

۳-۱- تفاوت‌ها و تشابهات میان رأی توافقی و نظر مشورتی

علاوه بر موارد فوق، آرای توافقی و نظرات مشورتی حائز تفاوت‌های مهم دیگری نیز هستند. مثلاً دولت‌های طرف اختلاف می‌توانند با تراضی یکدیگر از دیوان بین‌المللی دادگستری تقاضا کنند که دیوان بین‌المللی دادگستری به صورت کدخدامنشانه رسیدگی نموده و رأی خود را بر اساس اصول عدالت و انصاف^{۲۴} مندرج در بند دوم ماده ۳۸ اساسنامه صادر کند، اما مرجع ذیصلاحی که تقاضای صدور نظر مشورتی می‌کند نمی‌تواند از دیوان بین‌المللی دادگستری بخواهد که نظر مشورتی به چنین نحوی صادر شود. همچنین، صدور رأی توافقی ممکن است سال‌ها به طول انجامد، اما مطابق با ماده ۱۰۳ مقررات آیین دادرسی دیوان بین‌المللی دادگستری، چنان چه مرجع ذیصلاح متقاضی صدور نظر مشورتی به دیوان بین‌المللی دادگستری اطلاع دهد که فوریت در صدور نظر مشورتی موضوعیت دارد و یا دیوان بین‌المللی دادگستری خود تشخیص دهد که فوریت در پاسخ مطلوب است می‌بایست

تمهیدات لازم را جهت تسریع در صدور نظر مشورتی منظور کند.

نباید از نظر دور داشت که این دو نوع از تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری در مواردی با یکدیگر متشابه‌اند. به عنوان مثال، ترکیب رسیدگی و نحوه رأی‌گیری در هر دو نوع از این تصمیمات با یکدیگر مشابه بوده و مقتضی است که پانزده قاضی اظهارنظر کنند. همچنین، در آرای توافقی و نظرات مشورتی، دیوان بین‌المللی دادگستری رسیدگی را وفق حقوق بین‌الملل به عمل آورده و هر کدام از این تصمیمات به نوبه خود در حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات و توسعه حقوق بین‌الملل نقش‌آفرینی می‌کنند (Sloan&Tams, 2013, 218). استانداردهای صدور هر دو نوع از تصمیمات نیز شبیه به یکدیگر است زیرا ماده ۶۸ اساسنامه، دیوان بین‌المللی دادگستری را مکلف می‌نماید که تا حد ممکن از استانداردهای صدور آرای توافقی برای صدور نظرات مشورتی هم استفاده کند.

۲- مبانی نظری

در این بخش ابتدا رویه دیوان بین‌المللی دادگستری را در هنگام برخورد با خلأ حقوقی تحلیل و سپس ماهیت تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری را از بعد درجه الزام مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۲-۱- تحلیل رویه دیوان بین‌المللی دادگستری در برخورد با خلأ حقوقی

از جمله نتایج نظری ناشی از تفکیک تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری به نظر مشورتی و رأی توافقی، تحلیل رویه دیوان بین‌المللی دادگستری در برخورد با موارد کمبود یا فقدان قواعد حقوقی قابل اعمال و نهایتاً اعلام خلأ حقوقی است. شعبه مقدماتی دادگاه ویژه لبنان^{۲۵} در هنگام رسیدگی به پرونده عیاش^{۲۶}، وفق قاعده ۶۸ آیین دادرسی این دادگاه از شعبه تجدیدنظر تقاضا کرد که مفهوم تروریسم^{۲۷} را تبیین کند و شعبه تجدیدنظر نیز نهایتاً به این نتیجه رسید که با توجه به فقدان اجماع در نزد جامعه بین‌المللی^{۲۸} پیرامون مفهوم تروریسم، محکمه با خلأ حقوقی در این خصوص مواجه است.

25- Special Tribunal for Lebanon (STL)

26- Salim Jamil Ayyash

27- Terrorism

28- International Community

با توجه به رشد روزافزون و افسارگسیخته تکنولوژی و نیز سرعت نسبتاً کند توسعه و تکامل حقوق داخلی و بین‌الملل باید اقرار نمود که در آینده‌ای بسیار نزدیک، محاکم داخلی و بین‌المللی در بسیاری از موارد مرتبط با تکنولوژی نظیر حملات سایبری^{۲۹}، متاورس^{۳۰} یا معاملات رمزارز^{۳۱} با خلأ حقوقی مواجه خواهند شد.

سیاست‌های قانون‌گذاری در برخی از کشورها قضات را از اعلام خلأ حقوقی منع و ایشان را ملزم می‌کنند که تحت هر شرایطی مبادرت به صدور رأی نمایند. به‌عنوان مثال، در کشورهای اسپانیا، ایتالیا و فرانسه قضات موظف‌اند تا چنان چه قواعد حقوقی موجود را برای اعمال بر یک واقعه نامناسب یا ناکافی تشخیص دادند از انصاف و قیاس استفاده نموده و به صدور رأی مبادرت ورزند. در نظام حقوقی کشورهای نظیر پرتغال و سوئیس این اختیار به قضات داده شده که در موارد مواجهه با خلأ حقوقی مبادرت به ایجاد رویه‌ای معقولانه نمایند. به موجب اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز قضات موظف شده‌اند تا حکم هر قضیه را در قوانین مدون بیابند و چنان چه حکمی برای قضیه‌ای در قوانین مدون یافت نشد با استناد به منابع و فتاوی معتبر اسلامی حکم صادر نمایند و اساساً نمی‌توانند با استناد به مواردی نظیر سکوت، نقص، اجمال و یا تعارض قوانین مدون از رسیدگی و صدور حکم خودداری کنند (پیری، ۱۴۰۲، ۶۶۴).

درخصوص دیوان بین‌المللی دادگستری نیز تسلیم الیاس^{۳۲}، قاضی و رئیس سابق دیوان بین‌المللی دادگستری معتقد است که دیوان بین‌المللی دادگستری در قضایای تحت رسیدگی از اعلام خلأ حقوقی منع شده است. به عقیده لاترپاخت^{۳۳}، دیوان بین‌المللی دادگستری با توسل به ابرازی از جمله اصول کلی حقوقی می‌تواند خلأهای حقوقی را برطرف کند. مبنای استدلال این گروه ضرب‌المثل مشهور حقوقی «تو قانون را اثبات کن، دادرس قانون را می‌داند» یا همان اصل «دادگاه عالم به حقوق

29- Cyber Attacks

30- Metaverse

31- Cryptocurrency

32- Taslim Elias

33- Hersch Lauterpacht

است» می‌باشد که دیوان بین‌المللی دادگستری نیز به دفعات به آن اشاره کرده است (فضائلی و کوثری، ۱۴۰۱، ۱۷۶).

به‌عنوان مثال، دیوان بین‌المللی دادگستری در بند هفدهم قضیه صلاحیت ماهیگیری بیان کرد: «این دیوان بین‌المللی دادگستری است که حسب شرایط خاص هر پرونده حقوق قابل اعمال را احراز می‌کند و طرفین در این خصوص هیچ تکلیفی ندارند و این به سبب مفروض بودن حقوق در نزد دانش قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری است».^{۳۴} در بند چهارم همین رأی نیز اعلام کرد: «حقوق مرتباً در حال تغییر است اما این حقیقت مانع اعمال اصلی‌ترین وظیفه دیوان بین‌المللی دادگستری مبنی بر صدور رأی نشده و دیوان بین‌المللی دادگستری بر اساس حقوق قابل اعمال در همان برهه از زمان مبادرت به صدور رأی خواهد کرد».^{۳۵}

در مجموع طرفداران نظریه ممنوعیت اعلام خلأ حقوقی معتقدند غیرمنطقی است که دیوان بین‌المللی دادگستری به‌عنوان رکن قضایی سازمان ملل متحد و مهم‌ترین محکمه جهت حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات در نهایت اعلام کند که با خلأ حقوقی مواجه شده است. این گروه با تأکید بر ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری می‌افزایند که دیوان بین‌المللی دادگستری می‌بایست وفق حقوق بین‌الملل و با اتکاء بر معاهدات، عرف و اصول کلی حقوقی موسوم به منابع اصلی و رویه قضایی و دکتترین موسوم به منابع فرعی حقوق بین‌الملل مبادرت به صدور رأی نماید. حال چنان چه دیوان بین‌المللی دادگستری در این چهارچوب موفق به یافتن قاعده حقوقی مناسب نشد می‌تواند از ابزار ذیل نیز استفاده نماید:

34- ICJ, 1974

35- ICJ, 1974

جدول شماره یک: نویسنده محور

ردیف	پرونده	ابزار مورد استفاده	مستند
۱	اختلاف سرزمینی و دریایی نیکاراگوئه علیه کلمبیا (ICJ,2012)	نقشه‌ها	بند یکصدودو
۲	کانال کورفو (ICJ,1949)	نظر کارشناس	بند نه
۳	اختلاف سرزمینی و دریایی نیکاراگوئه علیه هندوراس (ICJ,2007)	سوگندنامه و شهادت‌نامه	بند دویست و چهل و چهار
۴	حاکمیت بر پولولیزیتان و پولوسیپادان اندونزی علیه مالزی (ICJ,2002)	رفتار قبلی و بعدی دولت‌ها	بند یکصد و سی و پنج
۵	آزمایش‌های اتمی استرالیا علیه فرانسه (ICJ,1974)	اظهارات رسمی نمایندگان دولت‌ها	بند چهل و چهار

با این حال، نگارندگان پژوهش حاضر بر این باورند که چنان چه دیوان بین‌المللی دادگستری در هنگام رسیدگی به یک دعوای ترافیعی با خلأ حقوقی مواجه شد ملزم به پر کردن خلأ حقوقی در چهارچوب یا خارج از چهارچوب ماده ۳۸ اساسنامه یعنی توسل به ابزارهای فوق یا روش‌هایی نظیر استقرا، تفسیر و قیاس است، اما چنین تکلیفی در خصوص نظرات مشورتی ندارد. مبنای چنین استدلالی تأکید دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری در قضیه ماروماتیس بر «الزام به وجود اختلاف پیش از اثبات هر موضوعی دیگر» استوار است. اثبات وجود اختلاف در واقع همان امور موضوعی یا توصیف واقع است که بر عهده مدعی وجود اختلاف و در مواردی طرف مقابل او است. بر اساس یک قاعده حقوقی مشترک در تمام نظام‌های حقوقی، هر کس ادعایی کند اثبات آن را بر عهده خواهد داشت. این قاعده که در نظام حقوقی فقهی و اسلامی با عنوان «البیئة علی المدعی» شناخته می‌شود در بند شصت و هشتم رأی قضیه دریای سیاه میان رومانی علیه اوکراین بدین شکل مورد توجه دیوان

بین‌المللی دادگستری قرار گرفت: «هر طرف وقایعی را به‌عنوان مبنای ادعای خود قرار دهد اثبات آن وقایع نیز بر عهده خود او است».^{۳۶}

درحالی‌که دیوان بین‌المللی دادگستری در هنگام رسیدگی به یک دعوای ترافیعی حداقل با دو کشور به‌عنوان طرفین اختلاف روبرو است که اقدامات لازم را جهت توصیف واقعه انجام خواهند داد و متعاقباً چنان چه دیوان بین‌المللی دادگستری در مقام اعمال قاعده اعلام کند که با خلأ حقوقی مواجه است حقوق یکی از طرفین نقض خواهد شد، اما اوضاع و احوال درخصوص شرایط رسیدگی به نظرات مشورتی کاملاً متفاوت بوده و یک مرجع صلاحیت‌دار صرفاً یک پرسش حقوقی مطرح می‌نماید و حتی بر فرضی که دیوان بین‌المللی دادگستری در مقام پاسخ به آن پرسش این گونه اعلام کند که «پس از بررسی در سیر تکامل حقوق بین‌الملل به این نتیجه رسیده است که پاسخ یا پاسخ کاملی برای این پرسش وجود ندارد» لزوماً حقوق کشوری نقض نخواهد شد زیرا حتی اگر در اصل دو یا چند کشور از طریق یک نهاد صلاحیت‌دار متقاضی نظر مشورتی باشند و دیوان بین‌المللی دادگستری آنان را با چنین پاسخی مواجه کند باز هم آن کشورها می‌توانند اختلاف را به‌صورت یک دعوای ترافیعی در نزد دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح نمایند.

۲-۲- ماهیت تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری از بعد درجه الزام

بند اول ماده ۹۴ منشور ملل متحد مقرر می‌دارد: «هر عضو ملل متحد متعهد است که در هر دعوایی که طرف آن است از تصمیم دیوان بین‌المللی دادگستری تبعیت کند». ماده ۵۹ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری نیز مقرر می‌دارد: «احکام دیوان بین‌المللی دادگستری فقط برای طرفین اختلاف و درخصوص موضوعی که مورد حکم بوده الزام‌آور است». واژگان «تصمیم» و «احکام» در مقرره‌های اخیر دلالت بر رأی ترافیعی دارد که تبعیت از آن الزام‌آور می‌باشد، اما نظرات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری الزام‌آور نیست و دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در مواردی همچون نظر

مشورتی مربوط به تفسیر معاهدات صلح میان بلغارستان، مجارستان و رومانی صراحتاً اعلام کرد که نظرات مشورتی صرفاً حائز جنبه مشورتی بوده و هیچ اثر حقوقی و اجرایی الزام‌آوری ندارد.^{۳۷}

برخی از قضات دیوان بین‌المللی دادگستری نیز اعلام کرده‌اند که نظرات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری الزام‌آور و خاتمه‌دهنده یک موضوع نیست. با این وجود، نباید از نظر دور داشت که نظرات مشورتی معمولاً به صورت داوطلبانه از دیوان بین‌المللی دادگستری تقاضا می‌شوند که این امر حاکی از آن است که قصد لازم برای تبعیت از آن‌ها وجود دارد. از طرف دیگر، برخی از نظرات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری نقش بسیار حائزاهمیتی در توسعه حقوق بین‌الملل ایفاء کرده‌اند. به عنوان مثال، دیوان بین‌المللی دادگستری با صدور نظر مشورتی درخصوص تهدید به استفاده یا استفاده از سلاح هسته‌ای^{۳۸} به مسائل زیست محیطی و مقررات بشردوستانه بین‌المللی^{۳۹} توجه زیادی نمود. از طرف دیگر برخی از قضات دیوان بین‌المللی دادگستری همچون استفان شوبل^{۴۰} یکی از دلایل جایگاه والای قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری را اشتغال این محکمه به صدور نظر مشورتی و آیین رسیدگی مربوط به صدور چنین تصمیمی می‌دانند. قاضی وینارسکی^{۴۱} نیز نظرات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری را حائز ارزش حقوقی و برخوردار از یک خصیصه اخلاقی دانسته است.

بنا بر آن چه در فوق ذکر شد می‌توان نتیجه گرفت که الزام‌آور نبودن نظرات مشورتی تا حد زیادی منبعث از مباحث نظری صرف بوده و نظرات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری عملاً در حکم قاعده‌ای کلی است که به دلیل نقش مرجع صادرکننده و تأثیرات تبعی آن حداً امکان می‌بایست محترم شمرده شود.

37- ICJ, 1962

38- ICJ, 1966

39- International Humanitarian Law

40- Stephen Myron Schwebel

41- Bohdan Stefan Winiarski

۳- تاریخچه

تاکنون دیوان بین‌المللی دادگستری در هیچ یک از نظرات مشورتی و آراء توافقی به خلأ حقوقی اذعان نکرده، اما گفتنی است که ادبیات و واژه‌پردازی دیوان بین‌المللی دادگستری در دو نظر مشورتی به گونه‌ای بوده که گویا دیوان بین‌المللی دادگستری در هنگام بررسی پرسش حقوقی پیش روی خود خلأ حقوقی را به‌خوبی لمس نمود، اما با ادبیاتی هوشمندانه از اقرار به آن امتناع کرد. اولین مورد نظر مشورتی درخصوص تهدید به استفاده یا استفاده از سلاح هسته‌ای بود. هنگامی که مجمع عمومی سازمان ملل متحد این پرسش را مطرح کرد که «آیا دولت‌ها در شرایط حاد بقاء می‌توانند به تهدید به استفاده یا استفاده از سلاح هسته‌ای متوسل شوند؟» دیوان بین‌المللی دادگستری با رأی هفت قاضی و به علاوه رأی رئیس دیوان بین‌المللی دادگستری در برابر هفت قاضی در بند یکصدوپنجم نظر مشورتی این گونه پاسخ داد که نمی‌توان با قاطعیت به چنین پرسشی پاسخ داده شود (مجبی و بذار، ۱۴۰۱، ۲۷۳).

دومین مورد نظر مشورتی درخصوص اعلامیه استقلال کوزوو بود. در این خصوص از دیوان بین‌المللی دادگستری پرسیده شد که آیا صدور اعلامیه استقلال از جانب کوزوو منجر به نقض حقوق بین‌الملل شده است یا خیر؟ در پاسخ به پرسش اخیر دیوان بین‌المللی دادگستری در بند پنجاه و ششم نظر مشورتی این گونه پاسخ داد که صدور اعلامیه استقلال در حقوق بین‌الملل منع نشده است.^{۴۲} در واقع هنگامی که مقصود از پرسش اصلی آن بود که «آیا کنشگران ساکن در یک سرزمین به موجب صدور اعلامیه استقلال نقض حقوق بین‌الملل را رقم زده‌اند یا خیر؟» دیوان بین‌المللی دادگستری تفکیک معناداری میان «صدور اعلامیه استقلال به منظور جدایی» و «صدور اعلامیه استقلال به عنوان یک خطابه» قائل شد و بدون آن که خود را ملزم به احراز وضعیت حقوقی صدور اعلامیه استقلال به منظور جدایی بداند، صرفاً اعلام نمود که حقوق بین‌الملل صدور اعلامیه استقلال در مفهوم خطابه را منع نکرده است.

اگرچه صدور نظر مشورتی توسط دیوان بین‌المللی دادگستری و تبعیت از آن توسط ذینفعان الزام‌آور نیست، اما با توجه به آثار تبعی صدور نظر مشورتی در توسعه حقوق بین‌الملل، پذیرفتی است که چنین پاسخ‌هایی از جانب رکن قضایی سازمان ملل متحد و بزرگ‌ترین دادگاه بین‌المللی به وادی انتقاد کشیده شود اما با مطالعه نظر جداگانه قاضی سیمما^{۴۳} متوجه خواهیم شد که دیوان بین‌المللی دادگستری در هنگام صدور نظر مشورتی به تبعات پاسخ خود نیز توجه می‌کند. به عقیده قاضی سیمما، دیوان بین‌المللی دادگستری گاهاً و به‌صورت کاملاً آگاهانه نسبت به برخی از وقایع سکوت کرده یا بی‌طرف می‌ماند تا از نظم حقوقی بین‌المللی موجود پاسداری کند.

با لحاظ کردن دیدگاه قاضی سیمما باید گفت که به‌رغم پاسخ مبهم دیوان بین‌المللی دادگستری درخصوص تهدید به استفاده یا استفاده از سلاح هسته‌ای، قطعاً دیوان بین‌المللی دادگستری می‌دانست که اگر پاسخ به چنین پرسشی مثبت باشد بسیاری از کشورهای جهان جهت دستیابی به سلاح هسته‌ای وارد یک رقابت نفس‌گیر خواهند شد و چنان چه پاسخ منفی باشد بدیهی است کشورهای دارای سلاح هسته‌ای همچون ایالات متحده آمریکا که تاریخ گواهی می‌دهد از توسل به سلاح هسته‌ای ابایی نداشته و به وضوح در پرونده مداخلات نظامی و شبه‌نظامی در و علیه نیکاراگوئه^{۴۴} از رأی توافقی و الزام‌آور دیوان بین‌المللی دادگستری تمرد نمود چه واکنشی در برابر نظر مشورتی غیرالزام‌آور دیوان از خود نشان می‌داد.

بنابراین، دیوان بین‌المللی دادگستری با علم بر این که دولت‌ها به موجب چندین کنوانسیون و معاهده بین‌المللی، استفاده از تسلیحات ممنوعه نظیر تسلیحات شیمیایی و میکروبی با اثر تخریب کمتر از سلاح هسته‌ای را منع کرده‌اند و نیز وجود شرط مارتنس^{۴۵} که فلسفه وجودی آن تأکید بر مقررات بشردوستانه در جنگ است دریافت که دولت متوسل به سلاح هسته‌ای خواه با پاسخ مثبت و خواه با پاسخ منفی دیوان بین‌المللی دادگستری به پرسش مطروحه با چالش‌های حقوقی زیادی مواجه خواهد

43- Bronou Simma

44- 27 June 1986

45- Martens Clause

شد. درخصوص اعلامیه استقلال کوزوو نیز به‌خوبی می‌توان پیش‌بینی کرد که چنان چه دیوان بین‌المللی دادگستری با جایگاه والای قضایی خود و آن هم در شرایطی که کشورها پس از جنگ جهانی دوم^{۴۶} و جنگ سرد^{۴۷} به تازگی در امور داخلی و روابط بین‌المللی^{۴۸} خود به یک ثبات نسبی دست یافته‌اند اعلام می‌کرد که حقوق بین‌الملل صدور اعلامیه استقلال در مفهوم جدایی را منع نکرده چه تبعات و نتایجی در مناطق مختلف جهان از جمله خاورمیانه به دنبال داشت.

از این جهت، می‌توان نتیجه گرفت که در هر دو نظر مشورتی صدرالآشاره دیوان بین‌المللی دادگستری اتفاقاً از مقصود اصلی پرسش آگاه بود، اما پاسداری از نظم حقوقی بین‌المللی موجود اقتضاء می‌نمود که دیوان بین‌المللی دادگستری سیاست قضایی خویش را بر عدم ارائه پاسخ مستقیم به پرسش متمرکز کند.

۴- سازوکار اجرای تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری

در این بخش ابتدا به سازوکار اجرای آرای توافقی دیوان بین‌المللی دادگستری پرداخته و سپس راهکارهایی جهت الزام‌آور کردن نظرات مشورتی ارائه خواهیم نمود.

۴-۱- سازوکار اجرای آرای توافقی

۱-۴-۱- اجرای آرای توافقی به‌صورت ارادی

پیش از این گفته شد که مطابق با بند اول از ماده ۹۴ منشور ملل متحد، همه اعضاء ملل متحد متعهدند که در هر دعوا از تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری تبعیت کنند. بند اول ماده ۵۹ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری نیز مقرر داشته که حکم دیوان بین‌المللی دادگستری صرفاً برای طرفین اختلاف و آن هم در همان حوزه‌ای که رأی آن صادر شده الزام‌آور است (Pellet&others, 2018, 14).

بنابراین، اجرای رأی دیوان بین‌المللی دادگستری یک تعهد بین‌المللی محسوب می‌شود و مطابق با

46- World War II (1939-1945)

47- Cold War (1947-1991)

48- International Relations

ماده ۲۷ کنوانسیون وین درخصوص حقوق معاهدات^{۴۹}، یک کشور نمی‌تواند با استناد به قوانین داخلی خود از اجرای مفاد یک معاهده مثل منشور ملل متحد اجتناب کند. حال در شرایطی که حقوق بین‌الملل فاقد نهادی همچون اجرای احکام است، اراده دولت‌ها جهت اجرای آرای توافقی نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای خواهد داشت. علی‌الاصول، اجرای رأی دیوان بین‌المللی دادگستری از رهگذر نهادهای داخلی یک کشور میسر می‌شود که این نهادها می‌بایست وظیفه خود را در این خصوص انجام دهند. مثلاً اگر اجرای رأی دیوان بین‌المللی دادگستری از قابلیت خوداجرایی^{۵۰} برخوردار نیست، قوه مقننه باید قوانین لازم را جهت اجرای آن رأی تدوین و یا قوانین متعارض با رأی را اصلاح کند. متعاقباً قوه مجریه اقدامات اجرایی لازم را انجام و قوه قضاییه با اشخاص حقیقی و حقوقی که به هر نحو مانع اجرای صحیح رأی دیوان بین‌المللی دادگستری می‌شوند برخورد کند.

لازم به ذکر است که مطابق با صدر ماده ۴ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در برابر اعمال متخلفانه بین‌المللی^{۵۱}، رفتار هریک از نهادهای دولتی اعم از این که نهاد مذکور مسئولیت قانون‌گذاری، اجرایی، قضایی یا هر مسئولیت دیگری که دارد باید بر اساس حقوق بین‌الملل رفتار همان دولت محسوب شود؛ بنابراین و با توجه به این که سهل‌انگاری نهادهای دولتی درخصوص اجرای آرای توافقی دیوان بین‌المللی دادگستری می‌تواند برای آن دولت مسئولیت بین‌المللی در پی داشته باشد بهتر است سازوکاری جهت نظارت بر اعمال نهادهای ذیربط اتخاذ شود.

۱-۴-۲- اجرای آراء توافقی از طریق شورای امنیت

بند دوم ماده ۹۴ منشور ملل متحد مقرر می‌دارد: «هر طرف دعوایی که بر اساس رأی دیوان بین‌المللی دادگستری از انجام تعهداتی که بر عهده او است تخلف کند طرف مقابل می‌تواند به شورای امنیت رجوع نماید و شورای مزبور ممکن است در صورتی که ضروری تشخیص دهد توصیه‌هایی نموده یا

49- Vienna Convention on the Law of Treaties (1969)

50- Self Executing

51- Responsibility of States for International Wrongful Acts (2001)

جهت اجرای رأی دیوان بین‌المللی دادگستری تصمیماتی اتخاذ کند». بر اساس مقررہ اخیر، صرفاً دولت طرف دعوایی که خواستار اجرای رأی توسط طرف مقابل است می‌تواند به شورای امنیت رجوع کند و البته شورا تکلیفی جهت موضع‌گیری ندارد (مجبی و بذار، ۱۳۹۹، ۲۷۹). مع‌الوصف این رکن سیاسی از سازمان ملل متحد ثابت نموده که تمایل زیادی به بسط مفهوم تهدید علیه صلح، نقض صلح و تجاوز مندرج در ماده ۳۹ منشور داشته و چنان‌چه وضعیتی را تهدید علیه صلح تشخیص دهد می‌تواند وفق ماده‌های ۴۱ و ۴۲ منشور طیف متنوعی از اقدامات نظیر تحریم اقتصادی تا حمله نظامی را تجویز کند (San&Sylvanus, 2018, 25).

اشخاصی از جمله کلسن^{۵۲} معتقدند که شورای امنیت می‌تواند با توصیف عدم اجرای رأی ترافی دیوان بین‌المللی دادگستری به‌عنوان مصداقی از تهدید علیه صلح به اختیارات خویش وفق ماده‌های ۴۱ و ۴۲ منشور متوسل شده تا کشور خاطی را به اجرای رأی ملزم کند. در همین خصوص قاضی سیما معتقد است که حتی شورای امنیت نیازی به رعایت پیش شرط تعبیر عدم اجرای رأی ترافی به‌عنوان مصداق تهدید علیه صلح نداشته و مستقیماً می‌تواند از اختیارات خود برای برخورد با کشور متمرّد از اجرای رأی بهره‌برد (Tanzi, 1995, 564). از این جهت است که حتی تهدید رجوع به شورای امنیت می‌تواند در اجرای رأی ترافی دیوان بین‌المللی دادگستری کارساز باشد. به‌عنوان مثال، در پی صدور رأی اختلافات زمینی، جزیره‌ای و دریایی السالوادور، هندوراس و نیکاراگوئه^{۵۳} و تمرّد السالوادور از اجرای رأی، هندوراس یک نامه به شورای امنیت ارسال نمود اما بلافاصله و پس از ارسال این نامه لحن مقامات السالوادور صلح‌جویانه شد و مذاکرات جهت اجرای رأی با جدیت و سرعت بیشتری ادامه یافت (ایزدی، ۱۳۹۵، ۲۱۲).

اگرچه در مواردی که کشور متمرّد از اجرای رأی ترافی قدرت مقابله با شورای امنیت را ندارد صرف تهدید رجوع به شورای امنیت می‌تواند منجر به اجرای رأی دیوان بین‌المللی دادگستری شود،

52- Hans Kelsen (1881-1973)

53- ICJ, 1992

اما این مسئله درخصوص کشورهای عضو دائم شورای امنیت صدق نمی‌کند. مثلاً پس از این که رأی پرونده مداخلات نظامی و شبه‌نظامی ایالات متحده آمریکا در و علیه نیکاراگوئه علیه ایالات متحده آمریکا صادر شد این کشور از اجرای ارادی رأی خودداری نمود. متعاقباً نیکاراگوئه تقاضا کرد که شورای امنیت با قید فوریت یک جلسه برگزار کند. در همان جلسه قطعنامه‌ای که توسط پنج عضو غیردائم شورای امنیت تدوین شده بود جهت محکوم نمودن عملکرد ایالات متحده آمریکا به رأی گذاشته شد و به‌رغم این که یازده کشور رأی مثبت و سه کشور انگلستان، فرانسه و تایلند رأی ممتنع دادند ایالات متحده آمریکا به‌عنوان عضو دائم شورای امنیت از حق وتو^{۵۴} خود سوءاستفاده کرد و با ممانعت از تصویب قطعنامه عملاً قاضی پرونده خود شد.

۱-۴-۳- اجرای آرای ترافی از طریق مجمع عمومی

با اتخاذ برخی از سازوکارهای درون‌سازمانی نظیر آن چه که در ماده‌های ۸۷ و ۸۸ اساسنامه سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری ذکر گردیده است می‌توان با دولت‌های متمرّد از اجرای رأی دیوان بین‌المللی دادگستری برخورد نمود، اما سازوکارهای درون‌سازمانی صرفاً مربوط به اعضای همان سازمان و قاعدتاً پیرامون اختلافات مرتبط با فعالیت تخصصی آن سازمان است؛ بنابراین و فرضاً چنان چه یکی از اعضای سازمان صدرالآشاره با عضو دیگر این سازمان درخصوص تحدید حدود دچار اختلاف شود نمی‌توان به سازوکار مندرج در اساسنامه سازمان مزبور متوسل شد.

در چنین شرایطی و خصوصاً چنان چه کشور متمرّد از اجرای رأی به واسطه برخورداری از حق وتو مانع موضع‌گیری شورای امنیت شده باشد می‌توان از اختیارت مجمع عمومی سازمان ملل وفق ماده ۱۴ منشور بهره‌گرفت که مقرر می‌دارد: «مجمع عمومی با رعایت مقررات ماده ۱۲ می‌تواند جهت حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات هر وضعیتی با هر منشأیی از جمله وضعیت‌هایی که ناشی از نقض اهداف و اصول ملل متحد به شرح مذکور در این سند است اقداماتی را توصیه کند». وفق مقرره

اخیر می‌توان از مجمع عمومی تقاضا نمود که قطعنامه‌ای مبنی بر توصیه به تبعیت از اجرای رأی دیوان بین‌المللی دادگستری صادر شود (Bonafe, 2021, 409).

به‌رغم آن که قطعنامه‌های مجمع عمومی که ماهیتاً توصیه‌ای باشند الزام‌آور نیست، اما از نفوذ سیاسی و معنوی خوبی برخوردار است. به‌عنوان مثال، پس از آن که ایالات متحده آمریکا مانع تصویب قطعنامه مربوط به رأی دیوان بین‌المللی دادگستری درخصوص مداخلات نظامی و شبه‌نظامی در و علیه نیکاراگوئه شد، نیکاراگوئه متن همان قطعنامه را در مجمع عمومی به رأی گذاشت که نود و چهار کشور به آن رأی مثبت، پنجاه و هفت کشور رأی ممتنع و سه کشور ایالات متحده آمریکا، اسرائیل و السالوادور رأی منفی دادند و بدین ترتیب ایالات متحده آمریکا با فشار بین‌المللی بیشتری مواجه شد.

۲-۴- سازوکار الزام‌آور کردن نظرات مشورتی

همان‌طور که گفته شد نه دیوان بین‌المللی دادگستری الزامی جهت صدور نظر مشورتی دارد و نه مراجع ذیصلاح ملزم به تبعیت از نظرات مشورتی هستند، اما گاهی شرایطی دست به دست یکدیگر داده و جمعاً باعث می‌شوند تا یک نظر مشورتی به‌صورت اتفاقی الزام‌آور شود.

مثلاً در سال ۱۹۶۶ میلادی مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصمیم گرفت که قیمومت نامیبیا را خاتمه بخشد و از آفریقای جنوبی تقاضا نمود که خاک این کشور را ترک کند، اما آفریقای جنوبی از خاک نامیبیا خارج نشد. در سال ۱۹۶۹ میلادی شورای امنیت به آفریقای جنوبی هشدار داد که دستگاه‌های اداری خود را از نامیبیا خارج کند و در سال ۱۹۷۰ میلادی نیز ضمن غیرقانونی دانستن حضور آفریقای جنوبی در نامیبیا، کلیه اقدامات انجام شده توسط آفریقای جنوبی را از تاریخ خاتمه قیمومت باطل اعلام کرد و متعاقباً از کشورها خواست که تا زمان استمرار حضور غیرقانونی آفریقای جنوبی در نامیبیا، این کشور را به لحاظ اقتصادی تحریم کنند، اما این موارد افاقه نکرد و نهایتاً شورای امنیت برای اولین بار و تا زمان نگارش این پژوهش آخرین بار، درخصوص ابعاد حقوقی حضور مستمر آفریقای جنوبی در نامیبیا تقاضای صدور نظر مشورتی کرد و دیوان بین‌المللی دادگستری طی

نظر مشورتی پاسخ داد که آفریقای جنوبی هیچ حقی مبنی بر حضور در نامیبیا نداشته و استمرار حضورش غیرقانونی است.^{۵۵} متعاقباً شورای امنیت آفریقای جنوبی را وادار نمود که اعلام کند تا از نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری تبعیت خواهد کرد. با توجه به این که دیوان بین‌المللی دادگستری در نظر مشورتی خود به مؤلفاتی همچون استقلال، حق تعیین سرنوشت و مبارزه با استعمار تأکید داشت و این مؤلفات برای تمام کشورها ارزشمند بود اکثریت قریب به اتفاق کشورها نیز اقدامی جهت شناسایی حقی به نفع آفریقای جنوبی در نامیبیا انجام ندادند.

به طور کلی با اتخاذ سازوکارهایی می‌توان به نظرات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری خصلت الزام‌آور بخشید. اولین روش، الزام‌آور کردن یک نظر مشورتی درج این شرط در متن یک معاهده یا کنوانسیون است. با درج چنین شرطی، دولت‌های متعاقد تعهدی بین‌المللی مبنی بر تبعیت از نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری داشته و مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض این تعهد را بر عهده خواهند گرفت. با درج این شرط در متن یک معاهده یا کنوانسیون می‌توان جلوه‌ای قانونی به مبنای طرح دعوا علیه یک دولت مبنی بر ملزم ساختن او به تبعیت از نظر مشورتی و اقدامات دولت‌های ذینفع از محل اجرای تصمیم دیوان بین‌المللی دادگستری اعطاء نمود. به عنوان مثال، بخش سی ام کنوانسیون مزایا و مصونیت‌های سازمان ملل متحد مقرر می‌دارد: «اختلاف نظرات مربوط به تفسیر و یا اجرای کنوانسیون به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع می‌شود مگر آن که طرفین اختلاف بر راه حل مسالمت‌آمیز دیگری با یکدیگر به توافق برسند. همچنین، درخصوص اختلاف نظری میان ملل متحد و یکی از امضاءکنندگان کنوانسیون، نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری تقاضا می‌گردد که تصمیم دیوان بین‌المللی دادگستری در این خصوص لازم‌الاجرا خواهد بود».

دومین روش، الزام‌آور کردن نظر مشورتی، درج این شرط در متن اساسنامه مراجعی است که وفق بند دوم ماده ۹۶ منشور ملل متحد می‌توانند نظر مشورتی تقاضا کنند. مثلاً بند دوم ماده ۳۷ اساسنامه سازمان بین‌المللی کار صراحتاً رأی توافقی را در کنار نظر مشورتی قید نموده و هر دو را لازم‌الاجرا

دانسته است. همچنین، ماده ۱۲ اساسنامه دادگاه اداری سازمان بین‌المللی کار و نیز ماده ۱۱ اساسنامه دادگاه اداری سازمان ملل متحد نیز برای نظرات مشورتی دیوان خصلت الزام‌آور قائل شده‌اند.

سومین روش، الزام‌آور کردن نظر مشورتی از طریق تفسیر منشور ملل متحد است (نوروزی و برلیان، ۱۴۰۳، ۲۰۹۷). به عبارت دیگر، می‌توان نظرات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری را که به تفسیر مفاد منشور مرتبط است الزام‌آور نمود. توضیحاً آن که در منشور مقرره‌ای در این خصوص که تفسیر مفاد این سند بر عهده کدام مرجع است وجود ندارد، اما بر اساس یک دیدگاه رایج و نسبتاً قدیمی میان صاحب‌نظران، هر کدام از ارکان سازمان ملل متحد صلاحیت تفسیر مفادی را دارد که با فعالیت آن رکن مرتبط است. به عنوان مثال، شورای امنیت می‌تواند مفهوم تهدید علیه صلح مندرج در ماده ۳۹ منشور را تفسیر کند. حال که شورای امنیت از چنین حقی برخوردار است می‌تواند تفسیری از این عبارت ارائه نموده و وفق بند اول ماده ۹۶ منشور درخصوص همان تفسیر از دیوان بین‌المللی دادگستری تقاضای صدور نظر مشورتی کند.

اکنون ممکن است این پرسش مطرح شود که دیوان بین‌المللی دادگستری صلاحیت صدور نظر مشورتی درخصوص تفسیر به عمل آمده درخصوص منشور را از چه طریقی برای خود مفروض می‌داند؟ در پاسخ باید گفت که اولاً طرح پرسش حقوقی درخصوص صحت یا عدم صحت تفسیر منشور ملل متحد موسوم به قانون اساسی حقوق بین‌الملل عملاً می‌تواند موضوع تقاضای یک نظر مشورتی باشد. دوماً در منشور و اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری ممنوعیتی برای این رکن از سازمان ملل مبنی بر ارائه نظر مشورتی درخصوص تفسیر قید نشده است. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در نظر مشورتی مربوط به شرایط پذیرش یک کشور به عضویت سازمان ملل متحد صراحتاً اعلام نمود صلاحیت تفسیر ماده ۴ منشور را برای خود قائل است، زیرا تفسیر در حوزه صلاحیت قضایی او است و هیچ مقرره‌ای در منشور، دیوان بین‌المللی دادگستری را از تفسیر منع نکرده است.^{۵۶}

لازم به ذکر است که اعطای خصلت الزام‌آور به یک نظر مشورتی منجر به تبدیل شدن نظر

مشورتی به رأی توافعی نمی‌شود و قاعدتاً نمی‌توان مراتب تدریجی از اجرای نظر مشورتی دارای خصلت الزام‌آور را از طریق شورای امنیت پیگیری نمود.

نتیجه

استناد به خلأ حقوقی یک مسئله مربوط به ماهیت اختلاف است؛ بنابراین، برخلاف رسیدگی به دعاوی توافعی که دیوان بین‌المللی دادگستری با یک اختلاف حقوقی بین‌المللی مواجه بوده و طرفین اختلاف می‌بایست اقدامات لازم جهت توصیف واقعه را انجام و متعاقباً دیوان بین‌المللی دادگستری خواه در چهارچوب ماده ۳۸ اساسنامه و با اتکاء بر معاهدات، عرف و اصول کلی حقوقی موسوم به منابع اصلی و رویه قضایی و دکترین موسوم به منابع فرعی حقوق بین‌الملل و خواه خارج از چهارچوب ماده ۳۸ و با اتکاء بر ابزاری نظیر نظر کارشناس، سوگندنامه و شهادت‌نامه رفتار قبلی و بعدی دولت‌ها، اظهارات رسمی نمایندگان دولت‌ها و یا روش‌هایی نظیر استقرا، تفسیر و قیاس بهترین قاعده حقوقی را بر واقعه اعمال نماید و اساساً از اعلام خلأ حقوقی منع گردیده است؛ چنان‌چه دیوان بین‌المللی دادگستری در هنگام رسیدگی به تقاضای نظر مشورتی با خلأ حقوقی مواجه شد الزامی از بابت پر کردن آن ندارد، زیرا آن چه که مورد بررسی است یک پرسش حقوقی و نه یک اختلاف حقوقی بین‌المللی است و از طرفی موجودیتی برای توصیف واقعه وجود ندارد؛ البته نباید این گفتار را به نحوی تعبیر نمود که دیوان بین‌المللی دادگستری نمی‌تواند در هنگام برخورد با خلأ حقوقی در نظر مشورتی رویه‌ای فعال و ایجابی اتخاذ کند.

همچنین، دانستیم که مطابق با بند اول ماده ۹۴ منشور ملل متحد، همه اعضای ملل متحد متعهدند که در هر دعوا از تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری تبعیت کنند. ماده ۵۹ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری نیز مقرر داشته که حکم دیوان بین‌المللی دادگستری صرفاً برای طرفین اختلاف و آن هم در همان حوزه‌ای که رأی آن صادر شده الزام‌آور است؛ بنابراین، دولت‌های طرف اختلاف موظف‌اند رأی توافعی دیوان بین‌المللی دادگستری را با حسن نیت به اجرا گذاشته و از انجام اقدامات تصنعی و

یا اقداماتی که به هر نحو اجرای رأی را با چالش مواجه کند خودداری نمایند.

اجرای آرای توافقی دیوان بین‌المللی دادگستری بدواً به اراده دولت‌ها بستگی دارد، اما ترمرد از اجرای این دست از تصمیمات می‌تواند وفق بند دوم ماده ۹۴ و ماده ۱۴ منشور ملل متحد؛ ترتیباً مداخله شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد را به دنبال داشته باشد. صدور نظر مشورتی از جانب مراجع ذیصلاح مندرج در بند اول و بند دوم ماده ۹۶ منشور ملل متحد و ایضاً بند اول ماده ۶۵ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری تقاضا می‌شود، اما نه دیوان الزامی جهت صدور نظر مشورتی دارد و نه مراجع ذیصلاح ملزم به تبعیت از نظرات مشورتی هستند.

باین حال، رویه دیوان بین‌المللی دادگستری درخصوص صدور نظر مشورتی نشان می‌دهد چنان چه مرجع متقاضی صلاحیت چنین درخواستی را دارا بوده و پرسش مطرح شده از جانب او ماهیتاً حقوقی باشد، دیوان بین‌المللی دادگستری نیز با صدور نظر مشورتی موافقت نموده و بدین شکل نقش خود را در امور مربوط به سازمان ملل متحد یادآوری می‌کند. عطف به این که وفق ماده ۶۸ اساسنامه، دیوان بین‌المللی دادگستری مکلف است که تا حد ممکن از استانداردهای صدور آرای توافقی برای صدور نظرات مشورتی نیز استفاده کند باید گفت که نظرات مشورتی فراتر از یک توصیه حقوقی کارگشا بوده و دربردارنده بیانات ماهیتاً قضایی هستند که می‌توانند آموزه‌های ارزشمندی برای جامعه بین‌المللی در پی باشند.

با این که نظرات مشورتی از حیث نظری ماهیتاً غیرالزامآور هستند، اما گاهی شرایطی دست به دست یکدیگر داده و باعث می‌شوند تا یک نظر مشورتی به صورت اتفاقی الزامآور شود. همچنین، می‌توان از طریق متن معاهدات، کنوانسیون‌ها و اساسنامه مراجع ذیصلاح به نظرات مشورتی خصلت الزامآور بخشید، اما اعطای خصلت الزامآور به یک نظر مشورتی منجر به تبدیل شدن نظر مشورتی به رأی توافقی نمی‌شود و قاعدتاً نمی‌توان مراتب ترمرد از اجرای نظر مشورتی دارای خصلت الزامآور را از طریق شورای امنیت پیگیری نمود.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و

ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- ایزدی، علی، ۱۳۹۵، بررسی تاریخی و تحلیلی اجرای احکام دیوان بین‌المللی دادگستری، **فصلنامه حقوقی بین‌المللی**، شماره ۵۴.
- پیری، حیدر، ۱۴۰۲، بررسی تحلیل خلأ حقوقی در نظام حقوقی ایران و حقوق بین‌الملل با تأکید بر سازوکارهای رفع آن، **دوفصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی**، شماره ۲.
- فضائلی، مصطفی و کوثری، وحید، ۱۴۰۱، گذار از توصیف واقعه تا صدور رأی در دیوان بین‌المللی دادگستری، **فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی معاصر**، شماره ۲۷.
- قهرمانی منامن، مرتضی و ضیائی، سیدياسر، ۱۴۰۰، ماهیت و ویژگی اختلاف حقوقی در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری، **فصلنامه حقوق پزشکی**، ویژه‌نامه نوآوری‌های حقوقی.
- محبی، محسن و بذار، وحید، ۱۳۹۹، مراجعه به شورای امنیت سازمان ملل متحد برای اجرای آراء دیوان بین‌المللی دادگستری، **فصلنامه پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل**، شماره ۱۶.
- میرعباسی، سیدباقر و قاسمی، مهدی، ۱۴۰۰، ادعای فقدان اختلاف و اعتراض مقدماتی در دیوان بین‌المللی دادگستری، **فصلنامه مطالعات حقوق عمومی**، شماره ۲.
- نوروزی، میثم و برلیان، پویا، ۱۴۰۳، کارکرد متقابل آرای توافقی و نظریات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری، **فصلنامه مطالعات حقوق عمومی**، شماره ۳.

لاتین

- Aust, A., 2010, Advisory Opinions, Journal of International Dispute Settlement, 1 (1),
- Bonafe, B. I., 2021, Compliance with ICJ decisions. The role of the General Assembly, ORDINE INTERNAZIONALE E DIRITTI UMANI, (2).
- Li, Q., 2023, Research on the Advisory Jurisdiction of the International Court of Justice, Studies in Law and Justice, 2 (1).
- Lima, L. C., 2025, 30 years of the Advisory Opinion on the Legality of Nuclear Weapons: eppur si muove, Revista Brasileira de Política Internacional, 68 (1).
- Marotti, L., 2017, Establishing the existence of a dispute before the International Court of Justice: Glimpses of flexibility within formalism?, Quest Int Law, 45.
- Ogbodo, S. G., 2012, An overview of the challenges facing the International Court of

Justice in the 21st century, *Ann. Surv. Int'l & Comp. L.*, 18 (1).

- Pellet, A., TAMS, C and GATTINI, A., 2018, Decisions of the ICJ as sources of International Law, *Gaetano Morelli Lectures Series*, 2.
- SAN, A. K. A., Abila, S and Sylvanus, S., 2018, A Critical Examination of the Enforcement of ICJ Decisions through the Organs of the United Nations, *Journal of Law and Criminal Justice*, 6 (1).
- Sloan, J and Tams, C. J., 2013, The development of international law by the International Court of Justice, In *Hague Yearbook of International Law/Annuaire de La Haye de Droit International*, 26.
- Tanzi, A., 1995, Problems of Enforcement of Decisions of the International Court of Justice and the Law of the United Nations, *Eur. J. Int'l L.*, 6.

سندها

- ICJ Judgment, Aegean Sea Continental Shelf, 9 December 1978.
- ICJ Judgment, *Affaire des essais nucléaires (Australie c. France)*, 20 December 1974.
- ICJ Judgment, *Corfu Channel (United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland v. Albania)*, 9 April 1949.
- ICJ Judgment, *Fisheries Jurisdiction (United Kingdom v. Iceland)*, 25 July 1974.
- ICJ Judgment, *Land, Island and Maritime Frontier Dispute (El Salvador/Honduras: Nicaragua intervention)*, 11 September 1996.
- ICJ Judgment, *Legal Consequences for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia (South West Africa) notwithstanding Security Council Resolution 276 (1970)*, 21 June 1971.
- ICJ Judgment, *Maritime Delimitation in the Black Sea (Romania v. Ukraine)*, 3 February 2009.
- ICJ Judgment, *Oil Platforms (Islamic Republic of Iran v. United States of America)*, 6 November 2003.
- ICJ Judgment, *Right of Passage over Indian Territory, (Portugal v. India)*, 12 April 1960.
- ICJ Judgment, *Sovereignty over Pulau Ligitan and Pulau Sipan (Indonesia v. Malaysia)*, 17 December 2002.
- ICJ Judgment, *Territorial and Maritime Dispute between Nicaragua and Honduras in the Caribbean Sea (Nicaragua v. Honduras)*, 8 October 2007.
- ICJ Judgment, *Territorial and Maritime Dispute (Nicaragua v. Colombia)*, 19 November 2012.
- ICJ Judgment, *Territorial Dispute (Libyan Arab Jamahiriya/Chad)*, 3 February 1994.
- ICJ Report, *Advisory Opinion, Accordance with International Law of the Unilateral Declaration of Independence in Respect of Kosovo*, 22 July 2010.
- ICJ Report, *Advisory Opinion, Conditions of Admission of a State to Membership in the United Nations (Article 4 of the Charter)*, 28 May 1948.
- ICJ Report, *Advisory Opinion, Interpretation of Peace Treaties with Bulgaria, Hungary and Romania*, 21 December 1962.
- ICJ Report, *Advisory Opinion, Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory*, 9 July 2004.
- ICJ Report, *Advisory Opinion, Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons*, 8 July 1996.
- PCIJ Judgment, *The Mavrommatis Palestine Concessions*, 30 August 1924.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.28- Summer 2026

Legal Effects Arising from the Opening of Letters of Credit on the Buyer and the Beneficiary

Homayoun Mafi, Mohsen Raeisi, Ahmadreza Amiri Larijani

Examining the Potential for International Criminal Justice to Address Ecocide in the Context of Climate Change

Sobhan Tayebi, Majede Magholi

Analyzing the Nature and Mechanism of Enforcing Decisions of the International Court of Justice with an Emphasis on the Court's Practice in Facing Legal Lacunae

Somayah Rahmanian, Pouria Ebrahimzadeh

Prohibiting the Abuse of Emergency in the Iranian Legal System

Zeinab Ghaderi, Abdolmajid Yousefi, Sattar Fakhræi

Comparative Study of the Automatic Termination Clause in Iranian Law and the Contract Avoidance Mechanism under the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods

Hakime Mahmood Soltani, Mahdi Sheikh Mahmoodi

A Comparative Study of the Elements and Principles of Criminalizing Collusion to Commit a Crime in Iranian and French Criminal Law

Saber Sayyari Zohan

Challenges of Electronic Documents in Iranian Law

Mohammadreza Abdi, Sasan Vazin Puor

The Dual Role of Artificial Intelligence in Countering Misinformation and Deep Forgery: Challenges and Solutions

Atefeh Lorkijori, Seyed Ahmad Peyrovnaziri

Legal Nature of the Foundational Condition in Imamiyya Jurisprudence and Iranian Law; Explaining the Bases of Its Validity and Its Scope in Civil Partnership Contracts

Seyyed Alireza Hosseini, Mohammadreza Rostami, Tahere Jafari

A Jurisprudential Legal Study of the Status and Role of Wills of Intestate Persons in Determining the Disposition of Property After Death

Sayede Nazanin Mousavi

Foundations, Conditions and Effects of Criminal Sentences in the Iranian Criminal System

Kamran Rahimi Sekkeh Ravani

A Jurisprudential Study of the Invalidity of Transactions in the Law Requiring Official Registration of Immovable Property Transactions

Mahdi Rajaean, Jafar Ghajeh Beigloo

Child and Adolescent Victimization in the Metaverse: a Review of Understanding Causes to Prevention and Countermeasures

Javad Cheraghi

Analysis of the Supporting Roles of the Convention on the International Sale of Goods in Facilitating and Protecting International Trade

Esmail Chogani

The Function of the Prosecutors Criminal Policy in the Prevention and Prosecution of Crimes Violating Public Rights

Vahid Kioumars

Comparative Study of the Rule of Independence of Arbitration Clause in Iranian, French, English Law and the UNCITRAL

Model Law; Theories and Practices

Saeed Johar

the Legal Status of Transactions of Periodically Insane Persons in the Law of Iran and England

Amirmohammad Tavakoli, Setayesh Haj Rajabali Tehrani, Fatemeh Allahverdi, Amirreza Noghavi

The Impact of Strict Laws on Drug-related Behaviors

Hamidreza Ghanaatian

The Peaceful Role of Nuclear Energy in Iranian law and the International System with a New Approach

Mojahed Amiri, Fatemeh Asgharzadeh Shirazi

The Impact of New Technologies, Smartification, and Digital Transformation on the Implementation of the Mandatory Registration Law

Negar Fouladi, Vajihe Mohseni

Criminological Analysis of Smuggling of Goods in Hormozgan Province

Ahmad Padidar, Mohammad Kamali

Smart Contract in the Iranian Legal System

Mahdi Salehi Zadeh

Legal Challenges of E-Government and Government Civil Liability

Saeed Sardashti Birjandi

the Principle of Impartiality of the Reason for Education in the Iranian Criminal Procedure

Mohammadhasan Malek Mohammadi

Qualitative Analysis of the Foundations and Scope of Criminal Liability in the Commission of Crimes Caused by Restless Legs Syndrome: the Interaction of Neuromotor Disorder with the Elements of Fault and Attributability

Zahra Enalouy Esfahani

The Relationship Between Rule and Exception in Iranian Civil Law with Emphasis on the Principle of the Binding Force of Contracts and Its Exceptions

Amirreza Alitabar

Institutional Castling: Military Enlistment and Mass Incarceration in the United States

Bryan L. Sykes, Amy Kate Bailey, Yasser Shakeri